

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق)

اکرم کر معلی^۱، مجتبی ذهابی^۲

احسان صادقیان دهکردی^۳

چکیده

منجی گرایی و اندیشه مهدویت، از اصول محرک، در جنبش های مذهبی قرن هشتم و نهم هجری (مشخصاً دوره تیموریان)، بود و هر یک از جنبش های مزبور، در راستای اهداف خود، به گونه ای از آن بهره می جستند. جنبش حروفیه از جنبش های بود که قایل به مهدویت رهبرشان فضل الله استرآبادی بودند و او را مهدی و حتی خدایی می انگاشتند که در روی زمین ظهور کرده است. این جنبش با تکیه بر عدالت اجتماعی و ضدیت با ظلم و ستم ادعای رهایی انسانها رو داشت و برای این منظور اندیشه مهدویت رو دستاویز خود قرار داد. اینکه مهدویت چه نقشی در جنبش حروفیه داشته سوال این پژوهش است و یافته های این پژوهش که مبتنی به روش توصیفی و تحلیلی است؛ حاکی از آن است که اندیشه مهدویت (منجی گرایی) در جنبش مذهبی حروفیه، نقش محوری داشته به گونه ای که رهبران این جنبش از عقاید صوفیه و تشیع برای تشریح عقاید خود بهره می بردند. از طرفی شرایط ویژه حاکم بر آن زمان که پذیرش اندیشه های نجات بخشی را از سوی مردم فراهم آورده بود، باعث مورد توجه قرار گرفتن اندیشه مهدویت از سوی مردم شد.

واژگان کلیدی: منجی گرایی، مهدویت، حروفیه، فضل استرآبادی.

۱ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه لرستان.

۲ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه اصفهان.

۳ - دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران.

مقدمه

گرایش به یک منجی آخرالزمانی که در آینده ای نزدیک ظهور خواهد کرد و شرایط دشوار کنونی را بر هم زده و نظم تازه‌ای برپا خواهد نمود، ساختار اندیشه منجی‌گرایی (مهدویت) را شکل می‌دهد. این تفکر را می‌توان پرطرفدارترین تفکر رهایی‌طلبانه در نگاه توده مردم در دوره‌های مختلف تاریخی برشمرد. در مذهب تشیع نیز، آمده است که خداوند در وحی‌ای به پیامبر اسلام (ص) ظهور منجی و رهاننده‌ای را نوید می‌دهد. به نظر می‌رسد چنین نویدهایی مبنی بر وجود امام و زنده بودنش امید را در دل مومنان زنده نگه می‌داشته است و تحمل مصایب را آسان می‌کرده است و به تعبیری دیگر مسلمانان در قلب خود اعتقاد به مهدی را زنده نگه داشته‌اند، طوری که در مواقع بروز ناگواری‌های ناشی از تسلط بیگانگان و یا شرایط بد اجتماعی این عقیده می‌تواند به آسانی فعال شود و انتظار می‌رود بازگشت مهدی، تاریخ را تصحیح کند. با توسل به چنین امیدی است که شماری از چهره‌های مبارز برای جلب و جذب امیدواری مردم در برهه‌های دشوار تاریخ برخاسته‌اند و خود را همان مهدی موعود معرفی کرده‌اند. در واقع با مطرح شدن موضوع ظهور منجی، رستگاری در قالب تفکر دینی در همین جهان نیز وعده داده شد. گسترش باور به این موضوع در میان ایرانیان زمینه‌ای بود تا گهگاه در جنبش‌های مردمی رهبرانی با ادعای منجی بودن مطرح شوند. رهبرانی که در پی شکست چنین جنبش‌هایی به عالم غیب می‌رفتند تا بار دیگر برای رهایی مردم ظهور کنند.

از سویی دیگر بررسی علل گرایش توده‌های مردم به سمت نهضت‌های مبتنی بر اندیشه‌های رهایی‌طلبانه و ظلم‌ستیزانه، نشانگر اهمیت رهبری پر نفوذ، در این قبیل نحله‌ها است. معمولاً هدایت چنین گروه‌های مذهبی - اجتماعی شالوده‌شکنی بر عهده رهبری کاریزماتیک است. پیروان چنین رهبرانی چنان تحت تأثیر این رهبران قرار دارند که حاضرند جان و مال خود را نیز وقف آرمانی کنند که این رهبر در ذهنیت جمعی‌شان می‌پروراند. سده نهم هجری (مشخصاً دوره تیموریان) در مسیر تاریخ ایران زمین سرشار است از جنبش‌های گوناگون فکری - مذهبی چون حروفیه و نوربخشیه و ... که آرمان خود را دستیابی به نوعی مدینه فاضله درخشان و برجسته می‌پندارد. نگرش مهدویت در این جنبش‌ها جایگاه ویژه‌ای داشت به طوری که با این نوع نگرش، مقام انسان را تا حدّ خدایی بالا می‌بردند.

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق) ۴۳

این باور، تحت تأثیر شرایط خاص فضای آن برهه از تاریخ می‌بوده که در آن، مردم جامعه، فقط به‌عنوان منبع درآمدی برای حکام و امرای دولت به شمار می‌آمدند و به تعبیری دیگر، نیروی کار و تولید دولت بودند و در مقابل از هیچ‌گونه جایگاه و شخصیتی، برخوردار نبودند و همین سرخوردگی و تحقیرنمایی مقام انسانی بود که آبخور چنان عقاید و باورهایی گردید. در میان این گوناگونی آنچه که محوریت دارد و باعث پیوند این جنبش‌ها می‌شود، میل به نوعی اندیشه‌رهایی طلبانه است که در قالب دعوی مهدویت از سوی رهبران چنین جنبش‌هایی بروز می‌یابد. نگارندگان این مقاله به بررسی جایگاه اندیشه منجی‌گرایی و موعود باوری (مهدویت) در جنبش حروفی عصر تیموریان پرداخته‌اند. در این مقاله، نخست به زمینه‌های شکل‌گیری حروفیه و سپس آغاز جنبش فضل استرآبادی و در ادامه به مبانی منجی‌گرایی در عقاید حروفیه و در نهایت به جنبش حروفیه بعد از فضل استرآبادی پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

درباره جنبش‌های فکری و مذهبی دوره تیموریان کتاب‌ها و مقالات متعددی به رشته تحریر در آمده است که در هر یک از این آثار یا به همه ابعاد عصر تیموریان به صورت کلی و یا اینکه صرفاً به بررسی عقاید و معرفی تنها یکی از جنبش‌های این دوره مانند حروفیه و مشعشعیه، پرداخته شده است. برای نمونه یعقوب آژند، کتاب حروفیه در تاریخ را به رشته تحریر درآورده و در آن به ابعاد مختلف زندگی فضل‌الله استرآبادی، رهبر جنبش و جانشینان و پیروان وی پرداخته است. همچنین در این اثر به طور مفصل، عقاید حروفیان مورد بررسی قرار گرفته و حتی نمونه‌هایی از اشعار عمادالدین نسیمی، به آن ضمیمه گردیده است.

اثری دیگر به نام حروفیه (تحقیق در تاریخ و آراء و عقاید)، تألیف روشن خیاوی است که از منظری خاص، به این جنبش نگریسته است و عقاید رهبر ایشان را نوعی ارزش‌گزاری به نوع انسان می‌داند. در مجموع اثری است پر محتوا که برای پژوهش درباره حروفیه بسیار مفید و با ارزش است.

زمینه‌های شکل‌گیری جنبش حروفیه

۴۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

در زمان ایلخانان مغول، اقتصاد و خصوصاً کشاورزی، رو به زوال و نابودی بود و با حمله تیمور به ایران، کاملاً ورشکسته و در حقیقت نابود شد. تیمور برای این که بتواند، زمینه‌های قدرت سیاسی - اجتماعی خود را مستحکم سازد و از حمایت نیروی معنوی مسلمانان استفاده کند، در تظاهر به اسلام، کوششی فراوان داشت، تا این که توانست پشتیبانی علمای با نفوذ مذهبی را به سوی خود جلب نماید.^۱ در این زمان که صوفی‌گری و صوفی‌پروری از بازار خوبی برخوردار بود، به علم حروف نیز توجه خاصی شد و حروفیان برابری و مساوات و رفع هرگونه ظلم و ستم را تبلیغ می‌کردند، تا مردم در مانده ایران را از زیر یوغ ستمگران نجات دهند. اما در این میان برخی از مورخان در نوشته‌های خود آورده‌اند که: «... هر چندگاه، یکی از این مفسدان بی‌دین و ملحدان شقاوت‌قرین، به تلقین شیطان لعین در لباس شیخی و گوشه‌نشینی، بازار شید و زرق رواج داده ... به افساد دین و ملت و الحاد اهل شقوت روی آورده...»^۲ بارتولد نیز بارها تصریح کرده که معتقدات مذهبی در بسیاری موارد، اضافه ظاهری نهضت‌های خلق بوده است.^۳

با وجود سخنان یاد شده باید گفت که نهضت‌های مردمی با الگو قرار دادن تعالیم تشیع و آموزه‌هایی از تصوف، حرکت آزادی خواهانه خود را آغاز می‌کرده‌اند. زیرا در قرن هشتم و نهم هجری، تصوف و تشیع هر دو طبیعت نوگرا داشتند و منتسبان هر دو عقیده تلاش می‌کردند چیزهای بی‌سابقه‌ای عرضه کنند تا اندیشه‌هایی که منادی آن بودند دارای اصالت و استقلال باشد. مثلاً فضل‌الله استرآبادی، با استفاده از اندیشه‌های اسلامی و صوفیانه، نظریه متکامل و نوینی بر پایه حروف و اعداد بنیاد نهاد و از این طریق جنبش خود را علیه ظلم و ستم تیموریان و حاکمان دست نشانده آنها آغاز کرد.

۱ - علی میر فطرس، جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیان، تهران: انتشارات بامداد، ۱۳۶۶، ص ۲۴.

۲ - محمود افوشته‌ای نطنزی، نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۵۱۴.

۳ - واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد، ترکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۱۷.

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق) ۴۵

بنابراین عوامل شکل‌گیری جنبش حروفیه را می‌توان به طور خلاصه، به این شرح بیان کرد:

۱- مبارزه علیه بیگانه و حاکمان دست‌نشانده آنان با توجه به ظلم و ستم بیش از حد آنان بر مردم.

۲- نابودی اقتصاد (خصوصاً کشاورزی)، زیرا با برقراری حکومت تیموریان، اقتصاد ایران رو به ورشکستگی نهاد.

۳- تأثیرپذیری از سایر قیام‌های مردمی بر ضد حاکمان ظالم که فضل‌الله استرآبادی این مبارزه را در قالب اعداد و حروف و برای آگاهی مردم، آغاز کرد.

۴- اوضاع آشفته سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر بسیاری از مناطق ایران که موجب شده بود مردم برای رهایی از این وضع به دامن صوفیان وقت پناه ببرند.

آغاز جنبش فضل‌الله استرآبادی

فضل‌الله استرآبادی بنیانگذار جنبش حروفیه است. در مورد محل ولادت وی بین مورخان اختلاف است. به طوری که برخی او را از اهالی استرآباد و برخی دیگر از اهالی تبریز و حتی برخی دیگر او را مشهدی‌الاصل می‌دانند.^۱ بسیاری از مورخان نوشته‌اند که فضل‌الله در سال ۷۴۰ق. در استرآباد چشم به جهان گشود. پدرش قاضی القضاات استرآباد بود و در زمان کودکی فضل، پدرش از این دارالفنا به دارالبقا پیوست.^۲ فضل‌الله تا اواخر دوره نوجوانی در همین شهر بود. در این ایام در استرآباد و مناطق اطراف آن وقایع سیاسی پر آشوبی رخ داد که اعلام ایلخانی طغایتمورخان و خروج سربداران از آن جمله است.

۱ - علی امین زاده، جنبش‌های شیعی در تاریخ ایران با نگاهی ویژه به سربداران، سبزوار: انتشارات امید، ۱۳۸۴، ص ۲۴۵.

۲ - اکبر ثبوت، «حروفیه»، نشریه فلق، شماره ۲، تهران: ۱۳۵۸، ص ۱۱۵.

۴۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

این وقایع سیاسی و آشوب‌های حاصله از آنها با شوریدگی فکری ایام در هم آمیخت و در جسم و جان فضل‌الله تأثیر گذاشت. خیزش‌های فکری - مذهبی نیز در فضل‌الله مؤثر افتاد و وی را در سنین رشد به سوی عبادت و اطاعت کشاند. شغل فضل را طاقیه‌دوزی^۱ دانسته‌اند.^۲ او در دست‌کرداری، مشهور گشت و به «فضل حلال‌خور» معروف شد.^۳ فضل‌الله در ۱۹ سالگی استرآباد را برای گشادگی اندیشه و فرو رفتن در عمق دردهای مردم و رستن از خود و پیوستن به خدا، سیر و سفر آغاز کرد. او ابتدا راهی اصفهان شد و پس از چندی اقامت در این شهر عازم مکه شد. فضل پس از بازگشت از مکه به تبریز رفته و در آنجا با سلطان اویس جلایری و وزیر او زکریا و صاحب‌صدر شیخ‌خواجه ملاقات نمود و آنها را به سوی خود جذب کرد و کلاه درویشان را به شیخ اویس تقدیم کرد. در همین زمان بود که امیرعلی دامغانی پسر پهلوان حسن دامغانی از امرای سربداری، به جرگه پیروان فضل‌الله درآمد.^۴ فضل مدتی از عمر خود را در نواحی خوارزم و خراسان و سایر شهرها گذراند و پس از سفر دوم خود به مکه در سال ۷۷۶ق. مجدداً به تبریز رفت. در این زمان (۷۷۸ق) خوابی دید که زندگی آینده او را رقم زد و در واقع او را وارد مرحله مهمی از زندگی‌اش یعنی آوردن آئین جدید کرد. این همان خوابی است که لباس سپیدی به غایت پاک و شسته دیده که جامه خود او بوده یعنی «جامه مهدی امام» و دانسته خود «مهدی» است!^۵

مبانی منجی‌گرایی (مهدویت) در عقاید فضل‌الله حروفی

فضل‌الله در تبریز اعلام کرد که حق بر او تجلی یافته و اسرار و مقامات پیامبران در نظر او کاملاً عیان شده است. صادق کیا به نقل از کرسی‌نامه، با عنوان سرّ تاریخ سال ۷۷۸ق، از آشکار شدن دین یاد می‌کند:

۱ - نوعی کلاه بلند مخروط شبیه به کلاه فعلی درویشان.

۲ - احمد توکلی، نهضت حروفیه. تهران: انتشارات میثاق نور، ۱۳۳۷، ص ۱۶.

۳ - یعقوب آژند، «حروفیان و بیداد تیموری»، تهران: مجله کیهان فرهنگی، ۱۳۶۸، شماره ۱، ص ۵۲.

۴ - اسدالله معطوفی، تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد، گرگان: انتشارات پدیده، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵.

۵ - صادق کیا، واژه‌نامه گرگانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ص ۲۴۳.

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق) ۴۷

باز در تاریخ بسم الله بین	از زمان هجرت سالار دین
تا نگردي گم چو ترسا و يهود	از ظهور مهدی، آن خیرالوجود
آنکه گفتند حرف بسم الله تمام	چون شود، باشد ظهور آن امام
معنی این، از حروفش باز یاب	تا شود روشن تو را ام الكتاب
هست با سبع المثانی بیست و یک	از حروف کردگار و نیست شک
چون ز فضل اسرار قرآن فاش گشت	بود ز هجرت هفتصد و هفتاد و هشت ^۱

بدین ترتیب خطهٔ آذربایجان برای پیروان فضل به عنوان سرزمینی مقدس و مکان رستاخیز و آشکار شدن آئین جدید شناخته شد. بنا به گفتهٔ الشیبی، دوره دیگری در زندگی فضل الله آغاز شد که در آن، آمیختن اندیشه مهدی‌گری با قطبیت صوفیان را در ذهن آغاز کرد تا آنکه خطوط اصلی آن روشن شد و فضل الله نزد ویژگیان خود دعوی مهدی‌گری را اعلام داشت و نهانی بیعت گرفت که چون زمان قیام رسید، با شمشیر قیام نماید.^۲ به هر حال، فضل الله در این زمان بر ضد بیداد تیمور، درفش عصیان برافراشت و با عقاید و تعالیم خود، مردم را به پیکار با تیمور و تیموریان و پیروی حق و عدالت دعوت کرد.^۳ کلاویخو در مورد بیداد تیمور و لشکریانش، نوشته است: «مردم چنان می‌گریزند که پنداری اهریمن، شخصاً به دنبال آنان روان است به راستی که چون این تاتاران به آبادی داخل می‌شوند، چنان اغتشاش و جنجالی به راه می‌اندازند و چنان بی‌رحمانه و ستمگرانه رفتار می‌کنند که گویی خود ابلیس به آنجا آمده است».^۴

فضل الله برای تبلیغ افکار و اندیشه‌ها و همگامی مردم، به شهرهایی همچون اصفهان، دامغان، خراسان، بروجرد، تبریز، باکو و هویزه سفر کرد. فضل الله، چنین پنداشت که او

۱ - پیشین، ص ۲۹۲.

۲ - کامل مصطفی الشیبی، تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱.

۳ - ابوذر ورداسبی، نمذ پوشان، تهران: انتشارات امام، ۱۳۵۷، ص ۵۰.

۴ - کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ص

۴۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

همچون آدم (ع)، عیسی (ع) و محمد (ص) خلیفه خداست و تمام آرمان‌های تشیع درباره نجات عالم از راه خون در وی جمع آمده و لذا مهدی و خاتم الانبیاء و پیامبر است.^۱ وی معتقد شد که دور نبوت و ولایت به سر آمده و ظهور او آغاز دوره جدید یعنی الوهیت است.^۲ به تعبیر دیگر آیین او نسخ همه شرایع را به دنبال داشت.

فضل توانست با آشنایی کامل خود با اعتقادات زمانه، اعم از افکار و آراء مسیحیت، یهودیت و اسلام و تصوف اسلامی، تلفیق جدیدی به وجود آورد و آیین نوینی پی نهد. فضل‌الله بر علم حروف که از قدمت زیادی برخوردار بود، آشنایی داشت و نتایج جستجوگرانه این علم را دستمایه خود قرار داد و آن را در آیین جدیدی متکامل کرد. او با استفاده از علم حروف تمام امور و احکام دینی را به ۲۸ حرف عربی و ۳۲ حرف فارسی ارجاع داد و معتقد بود که خدا محسوس نیست و جز از راه کلمه و لفظ قابل شناخت نیست:

ذاتی که عبارتست از سی و دو حرف عین دو جهانست چه مظروف و چه ظرف
یعنی که حقیقت حروف از ذات است ای منشی علم نحو، ای واضح صرف^۳

فضل به تطبیق تمام مظاهر آشکار و پنهان جهان با ۲۸ حرف عربی و ۳۲ حرف فارسی پرداخت. پیروان او بعدها این روش را گسترش دادند و حتی گفتند که نخست در دهان انسان ۲۸ دندان می‌روید و سپس به ۳۲ دندان افزایش می‌یابد که برابر حروف فارسی و معادل کلمه «الله» است.^۴ به اعتقاد حروفیان گردش کائنات بر اساس سه مرحله بنیان گذاشته شده است. نبوت با حضرت آدم شروع شده و به حضرت محمد (ص) خاتمه می‌یابد. دوران امامت با

۱ - الشیبی، همان، ص ۱۷۱.

۲ - عبدالحسین زرین کوب، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۵۷.

۳ - دیوان فارسی فضل‌الله نعیمی و عماد الدین نسیمی، به کوشش رستم علی‌اوف، تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۴، ص ۳۱.

۴ - الشیبی، همان، ص ۲۰۳.

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق) ۴۹

حضرت علی (ع) آغاز و با امام حسن عسکری خاتمه می‌یابد و دوران الوهیت با ظهور فضل که بنا به اعتقاد خودش مهدی است و آخرین ظهور محسوب می‌شود.^۱

فضل با شناخت امامت به خصوص حضرت علی (ع) تا امام یازدهم، شدیداً تحت تأثیر تشیع بود. فضل در تعالیم خود ویژگی‌های عربی، علوی، اسلامی را با روح تأویل‌گر ایرانی درآمیخت و در کسوت مهدی علوی ظاهر شد. تا در درجه اول قوم خود را از زیر یوغ استیلای مغول و تاتارها برهاند و بعد از آن بنیاد ستم و ظلم را از بین برده و بساط عدالت را در تمام نقاط بگستراند. شاید جنبش فضل را بتوان نوعی جنبش شیعی به حساب آورد که پوسته‌ای از تصوف و عرفان در اطراف آن تنیده بود و همچنین نهضت‌های دیگر با تکیه بر عدالت اجتماعی و ضدیت با ظلم و ستم، ادعای رهایی انسان را در سر می‌پروراند.^۲

با اهتمام به این نکته که الوهیت در آموزه‌های فضل‌الله استرآبادی نمودی ویژه دارد، لیکن بخش مهمی از دیدگاه‌های وی را می‌توان در ذیل اندیشه منجی‌گرایی و نجات‌بخشی نیز بررسی کرد. فضل‌الله با طراحی یک الهیات رهایی‌بخش کوشید زمینه را برای پذیرش مدعای خود هموار سازد. این الهیات رهایی طلب باعث پیوند میان اندیشه مهدوی‌گرایانه و قطبیت صوفیان در ذهن فضل‌الله و پیروانش گردید و به تدریج خطوط روشن خود را پیدا کرد. فضل‌الله با روش‌های گوناگون کوشید پیروانش را به مهدی بودن خود متمایل و معتقد کند و برای دستیابی به این منظور راهکارهای گوناگونی اندیشید. وی برای پیروان خود پوشش مخصوصی طراحی کرد و دستور داد همگی سرپوش و تن‌پوش سپید بپوشند، رمزینگی نهفته در چنین دستوری این بود که «لشکر مهدی نیز با وی پیمان مرگ می‌بندند و کفن می‌پوشند». افزون بر این، آنها

۱ - حسین میر جعفری، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران: سمت، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰.

۲ - یعقوب آژند، حروفیه در تاریخ، تهران: نشر نی، ۱۳۶۹، ص ۶۲.

۵۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

وظیفه داشتند همواره شمشیر به کمر ببندند، این عمل نیز «کنایت از مردگانی بود که خدای به زندگی رجعتشان می‌دهد تا همراه مهدی جهاد کنند»^۱.

فضل‌الله با روایت یکی از خواب‌های مشهور خود به بازگشایی رمزهای نهفته در مسلک خویش همت می‌گمارد: «وی در این خواب دید که ستاره‌ای درشت و درخشان از سمت خاور تابیدن گرفت. شعاعی قوی از این ستاره می‌تراوید و در چشم راست فضل فرو می‌رفت. تا اینکه بالاخره ستاره محو شد. فضل آوازی شنید که می‌گفت: می‌دانی این ستاره چه بود؟ او جواب منفی داد و آواز، باز آمد که: این ستاره‌ایست که هر چند یکبار برمی‌آید. فضل بیدار شد و دید مرغان به آواز خوانی و ترنم مشغولند و او آواز آنها را می‌فهمد. این نخستین بار است که فضل درک می‌کند که او را برای کاری و مقامی می‌خوانند»^۲. این خواب جای تأمل زیادی دارد. نشان از یک تفکر کهن در خصوص فرا رسیدن هزاره دارد و ظهور یک منجی در این هزاره. به این ترتیب است که نومنامه را مرام‌نامه آموزه‌های منجی موعود مدارانه فضل انگاشته‌اند؛ روایت-نامه‌ای که اندیشه منجی‌گرایی نهفته در آیین وی را در بر می‌گیرد. مسأله نقل و تعبیر خواب و رؤیاهای غریبه و توجه به مسأله ولایت و مراتب تجلی و ظهور، از جمله مواردی است که در نزد ابن عربی و خصوصاً در کتاب فتوحات المکیه او مطرح است و گویا فضل را با این نوشته‌ها آشنایی نزدیکی بوده است.^۳

عنصر تأویل هم از جمله مقولاتی بوده که پایگاه ویژه‌ای در آئین اسماعیلی داشت و فضل در این وادی آن چنان پیش رفت که نزد پیروانش به «حضرت صاحب تأویل» معروف گشت.^۴ چنین رویکردی دستاورد دیگری بود از محیط تصوف مدار عصری که برای نگارش کتاب‌های

۱ - الشیبی، همان، ص ۱۷۱.

۲ - هلموت ریتر، آغاز فرقه حروفیه، ترجمه حشمت مؤید، تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۱، ص ۲۴.

۳ - زرین‌کوب، همان، ص ۵۶.

۴ - هلموت ریتر، همان، ص ۱۹.

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق) ۵۱

رمزآمیز و متافیزیکی بسیار الهام بخش بود. نمونه چنین گرایش پیش از این در آموزه‌ها و تألیفات یکی از چهره‌های برجسته فکری این زمانه، ابن فهد حلی به اوج رسیده بود.^۱

این حربه فکری - فلسفی یعنی روایت رویاها و خواب‌های معناگرایانه، کم کم از چنان اقبالی برخوردار شد که فضل بر اساس آن به بازسازی و بازبینی الهیات تازه خود پرداخت؛ وی با تمسک به این رؤیامداری که بی‌شبهت به دریافت وحی نبود، ادعاهای تازه‌ای مطرح کرد: «در اوایل جمادی الآخر سنه سِتِّ و ثمانین و سبعمانه (۷۸۶ق) دیدم در ذي الحجّه که جامه من سپید و پاک به غایت شسته بودند و بینداخته و من دانستم که جامه منست و می دانستم که جامه مهدی است امام، یعنی می‌دانستم که منم».^۲

و خواب دیگر اینکه: «آسمان به شمشیر روشن شدن و در دست من بودن».^۳ که می‌توان آن را اشارتی مبنی بر قائم بالسیف بودن مهدی در نظر گرفت. در همین زمینه هلموت ریتر داستان خواب دیگری را از فضل‌الله گزارش می‌دهد که محتوای آن با صفت جاودانگی و نامیرایی منجی، همسان است: «در اول صفر سال ۷۸۶ هجری، یعنی ده سال پیش از آنکه کشته شود، در باغ صوفیان به خواب می‌بیند که آمده‌اند تا او را ببرند و بکشند و او اعتنایی نمی‌کند و به حمام می‌رود. ولی ناگهان او را می‌گیرند و سرش را می‌برند. درویشان از این خواب سخت پریشان می‌شوند. درویش توکل، می‌گوید: حال باید هرکدام دنبال کار خود رویم، چه این امر به سامان نمی‌رسد. ولی فضل خطاب به آنها می‌گوید: اندوهگین مباشید زیرا چنانکه عیسی مسیح - مظهر منجی در دین مسیحیت رفت و دوباره خواهد آمد، من نیز باز خواهم گشت».^۴

هدایت چنین تکاپوهایی در واقع تلاشی بود در جهت رهایی؛ باور و نیازی که هر روز شاخ و برگ بیشتری پیدا می‌کرد و در واقع خواست عمومی توده‌های مردم در این روزگار بود؛ ادعای

۱ - الشیبی، همان، ص ۲۷۲.

۲ - صادق کیا، همان، ص ۲۳۹.

۳ - پیشین، ص ۲۴۳.

۴ - هلموت ریتر، همان، ص ۴۲.

۵۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

مهدویت از این منظر تنها رهاوردی بود برای ساختار نهضتی که هدفش برکندن ستم و گستردن بساط عدالت بود و در واقع ادعای رهایی انسان‌ها را در سر می‌پخت.^۱ گفتنی است اساس اکثریت این جنبش‌ها - دست کم در ظاهر امر - در میان مردم تحت ظلم و ستم به وجود می‌آمد و این امر در ارتباطی تنگاتنگ با آرزوی آنها مبنی بر آزاد بودن و بهتر زیستن بوده است.

به نظر می‌رسد رسیدن به چنین منزلتی، راه را برای مدعای مهدوی‌گرایانه فضل‌الله هموار کرد و عرصه مساعدی برای رهبری نمادین جامعهٔ پریشان عصر وی فراهم ساخت. با چنین تکاپوهایی است که وی پس از مرگش تجلی‌خدایی پر رنگ‌تری پیدا می‌کند و پیروانش چنین می‌پراکنند که وی نمرده و رجعت خواهد کرد. گرایش به چنین الهیات نوگرایی نشان از الزامات زمانه داشت چرا که «منتسبان تصوف و تشیع هر دو می‌کوشیدند چیزهای بی‌سابقه‌ای عرضه کنند تا اندیشه‌هایی که منادی آن بودند دارای اصالت و استقلال و امتیازی باشد».^۲ به هر حال، فضل‌الله، در روزگاری که تیمور، خاک سرزمین ایران را مورد هجوم خود قرار داده بود، نظریاتی را مطرح کرد که بنیان ستم تیموری را متزلزل ساخت. او تأکید می‌کرد که خوبی و بدی در خارج از انسان قرار ندارد، بلکه در خود اوست.

ای گشته دلم محیط اشیاء	ای خوب و بد آفریده‌ی ما
فرمانبر ما، بود کمینه	از تخت ثری تا ثریا
مائیم و به غیر ما کسی نیست	در شیب و فراز و زیر و بالا ^۳

شاید همین نظریات فضل‌الله به نوعی مردم را بر علیه تیمور، تحریک می‌کرده و در حقیقت مردم را از ظلم بیگانگان آگاه و برای مبارزه با عنصر بیگانه آماده می‌کرده است. حروفیان راه دیگر مبارزه با قدرتمندان زمانه را از این جا آغاز کردند که آنها: گرایش به قدرتمندان را مباح

۱ - ورداسبی، همان، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۲ - الشیبی، همان، ص ۱۶۶-۱۷۳.

۳ - میر فطرس، همان، ۳۵

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق) ۵۳

دانسته، تا از این طریق، آنها را جذب افکار خود کرده تا در تشکیلات حکومتی آنها نفوذ کنند. به همین خاطر خود فضل الله، از اصفهان^۱ به خراسان رفته و در آنجا با تیمور لنگ ملاقات کرد و او را به دین و عقیده خود دعوت کرد، اما او به دعوتش لبیک نگفت.^۲ فضل الله همچنین هفت نفر از داعیان خود را برگزید تا در چهار گوشه جهان اسلام به دعوت پردازند و مردم را به آیین جدید فرا خوانند.^۳

به دلیل همین افکار و ایده‌های نو که در فضل الله بود و آن را در همه جا گسترش و تبلیغ می‌کرد، علمای دین در سمرقند و گیلان، حکم به قتل فضل الله دادند و تیمور نیز بر اساس فتوای علمای سمرقند و گیلان، فرمان دستگیری فضل را صادر کرد. اما فضل که به نوعی عقاید انسان خدایی حلاج را داشت، فریاد زد که:

همچو منصور انا الحق زده از غایت شوق بر سر دار بلا نعره زنان می‌آیم^۴

تیمور در سال ۷۸۲ق. پسر خود میرانشاه را به سوی خراسان فرستاد تا آن جا را فتح کرده و حاکم باشد^۵ و خود در سال ۷۸۳ق. به خراسان رفت.

فضل روزهای آخر عمر خود را در شروان به سر برد. اما در همین شهر بود که توسط امیر شیخ ابراهیم، والی شروان، دستگیر و او را به قلعه النجق در نخجوان منتقل کرد.^۱ فضل در نامه‌ای در زندان شروان با این دو بیت از بی‌وفایی مردم این شهر و از وضع خود سخن گفته است:

۱ - فضل الله در همین شهر برای مدتی از نظرها غایب شد و سپس در همان جا، دعوت خود را آشکار ساخت.

۲ - آزند، حروفیه در تاریخ، ص ۶۵-۶۶.

۳ - پیشین، ص ۸۴

۴ - میر فطرس، همان، ص ۳۴.

۵ - فصیح بن احمد بن محمد خوانی، مجمل فصیحی، به تصحیح محمود فرخ، مشهد: باستان، ۱۳۴۲، ج ۳، ص ۱۱۵.

در همه عمر مرا یک دوست در شروان نبود دوست کی باشد، کجا ای کاش بودی آشنا
من حسین وقت، نا اهلان یزید و شهر من روزگارم جمله عاشورا و شروان کربلا^۲

فضل الله همچنين زمانی که در زندان بود وصیت نامه^۳ معروف خود را برای یاران آذری خود فرستاد. در این وصیت نامه، عمادالدین نسیمی را که نخستین بار همراه ابوالحسن علی الاعلی به دیدار فضل شتافته و طریقت او را پذیرفته بود، جانشین خود و مرشد آینده حروفیان اعلام داشت.^۴ او همچنین در ادامه نوشته بود که: «افراد خانواده و پیروان او هر چه زودتر باکو را ترک نمایند». ^۵ آنها نیز از باکو به آتولی و سپس به شهر حلب کوچ کردند. در سال ۷۹۶ق. فضل در زندان نخجوان بود که امیرزاده میرانشاه با دست خود گردن او را زد. زمانی که تیمور به نخجوان رسید، سر و تن فضل الله را از میرانشاه گرفت و آن را در سال ۸۰۴ق. آتش زد.^۶ البته سال قتل فضل الله، محل اختلاف مورخان است که برخی قتل او را سال ۷۹۶ق. و برخی دیگر ۸۰۴ق. نوشته اند. اما به احتمال قوی مرگ او همان سال ۷۹۶ق. بوده، زیرا مزار او زیارتگاه حروفیان و پیروان او شد و پس از گذشت هفت سال شأن و اعتباری بسیار یافت، و تیمور در سال ۸۰۴ق. به منظور جلوگیری از تشکیل و گسترش حلقه پیروان او در این منطقه، دستور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

- ۱ - آژند، حروفیه در تاریخ، ص ۲۴.
- ۲ - صادق کیا، همان، ص ۲۴۳.
- ۳ - معین الدین محرابی، کلمة الله هی العلیا، بانوی انقلابی و گمنام از قرن نهم، آلمان: نشر رویش، ۱۳۷۰، ص ۲۰.
- ۴ - تقی خمارلو، عمادالدین نسیمی و نهضت حروفیه، تبریز: انتشارات تلاش، ۱۳۵۳، ص ۶.
- ۵ - صادق کیا، همان، ص ۳۰.
- ۶ - شمس الدین سخاوی، الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، القاهرة: مکتبه القدسی، ۱۳۵۴ق، ج ۶، ص ۱۷۳.

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق) ۵۵

نیش قبر و سوزاندن جسد او را صادر کرده است.^۱ آثار و کتب زیادی از فضل بر جای مانده که معروفترین آن جاودان کبیر است.^۲ (۷، ص ۷۷). و دیگر کتب او، دیوان اشعار، نومنامه، محبت‌نامه، جاودان صغیر و ... است.

تأثیر پذیری حروفیه از تشیع و تصوف

حروفی‌گری به گونه‌ای که قابل انکار نیست، با تصوف مربوط است. در حقیقت حروفیه از تصوف، هرچه را با عقایدشان سازگار می‌نمود، برداشتند و آنچه تأثیری در تأیید ایشان نداشت، واگذاشتند، حتی حق ابن عربی را که پایه و ستون مذهب ایشان را برپا کرده بود، پاس نداشتند.^۳ اما این که رابطه حروفیان با تشیع در چه حدی بوده است؟ می‌توان گفت که رهبر ایشان یعنی فضل‌الله، تا حد امکان کوشش داشته خود را زیر شعار تقیه پنهان سازد تا حقیقت وابستگی او به تشیع آشکار نشود، دلیل این موضوع این که سیدالحق، محرم‌نامه خود را فقط به این منظور نوشت که اصول عقاید حروفی را بدون رعایت تقیه شرح دهد. با این حال، در آثار فضل‌الله اشارات بسیاری می‌توان یافت که ارتباط آشکار افکار حروفی را با تشیع دوازده امامی روشن می‌سازد. گذشته از ساختار اندیشه مهدویت در تعالیم فضل‌الله، که آبشخور آن، شناخت کامل او نسبت به آموزه‌های تشیع می‌باشد، خود وی نیز گرایش دوازده امامی خود را با این بیان تأکید می‌کند که «هیچ پیامبری نبوده، مگر آن که به دنبال او، ۱۲ امام بوده است».^۴ بر این جمله باید افزود که فضل‌الله خود را مهدی دوازده امامی می‌دانسته است.

پس از کشته شدن فضل‌الله، خلفای او، صریحاً عقیده دوازده امامی خود را آشکار می‌سازند. از جمله نسیمی، طی یک قصیده بلند در دیوان خود، دوازده امام را یک یک نام برده است. او ارادت خاص خود به علی (ع) را در شعر زیر بیان کرده است:

۱ - آژند، حروفیه در تاریخ، ص ۳۵.

۲ - شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، تهران: بی نا، ۱۳۲۳، ج ۵، ص ۷۷.

۳ - الشیبی، همان، ص ۲۱۹.

۴ - پیشین، ص ۲۲۴.

۵۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

در دایره وجود، موجود علی است و اندر دو جهان مقصد و مقصود علی است

بنابراین حروفیان چشم به راه منجی هستند و آنان ایمان دارند که وی به نیروی شمشیر، ظلم را که تجاوز بعضی به بعضی دیگر است ریشه کن خواهد کرد.^۱ به عبارتی برپایی «قسط و عدل» و رفع تعدی آدمیان از همدیگر، از خواسته‌های اجتماعی حروفیان بود. در «محرم‌نامه»، این مطالبه اجتماعی با ظهور «قائم ائمه» که مهدی خوانده شده، برآورده می‌شود، کسی که «صاحب سیف» است.^۲

جنبش حروفیه پس از فضل الله استرآبادی

با قتل فضل الله، پیروانش ضربه شدیدی خوردند، اما از تلاش و فعالیت دست برداشته و به ترویج آیین حروفی پرداختند. همین خلفای او تصمیم گرفتند که آیین وی را در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی بگسترانند.^۳ تعداد این خلفا را بعضی از مورخان هفت و برخی نه نفر نوشته‌اند.^۴ از میان پیروان و یاران فضل الله، مولانا مجدالدین استرآبادی، سید اسحق، علی الاعلی و سید عمادالدین نسیمی بیش از همه به او نزدیک بودند. مولانا مجدالدین استرآبادی همسر یکی از دختران فضل بود. عضدالدین، فرزند وی نوه دختری فضل بود که به اتفاق گروهی از حروفیان در سال ۸۳۰ق. در هرات به اتهام سوء قصد به جان شاهرخ تیموری کشته شد. سید اسحق یکی دیگر از یاران نزدیک فضل بود که دختر دیگر او را به زنی گرفت.^۵ او پیشوای حروفیان خراسان بود و به مرشد خراسان معروف بود. علی الاعلی، ملقب به خلیفه الله

۱ - علی امین زاده، همان، ص ۲۵۳.

۲ - کلمان هوار، مجموعه رسائل حروفیه شامل هدایت‌نامه، محرم‌نامه ابواسحق، نهایت‌نامه، رسائل مختلفه، اسکندرنامه، تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۰، ص ۳۹.

۳ - آژند، حروفیه در تاریخ، ص ۴۰.

۴ - الشیبی، همان، ص ۱۷۴.

۵ - صادق کیا، همان، ص ۲۸۴.

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق) ۵۷

بود که جاودان‌نامه فضل را در سال ۸۰۱ق. به نظم کشید و مأمور بود که در سرزمین روم، آیین حروفی را ترویج دهد. صاحبان قدرت، برای علی‌الاعلی مشکلاتی را فراهم کردند، به طوری که این فشارها گاه او را به حد عصیان می‌کشاند و وی را وادار می‌کرد که مبارزه مسلحانه را تبلیغ کند.^۱

اما معروفترین و شجاعترین خلیفه فضل‌الله، عمادالدین نسیمی بود که جان بر سر آمال و اهداف خود نهاد و کشته شد. عده‌ای از مورخین او را اهل شیراز و برخی دیگر او را اهل شروان می‌دانند. اما اقامت طولانی وی در تبریز بود، لیکن اشعار فارسی او از نظر سبک شناسی، رگ و ریشه در شیراز دارد. به هر حال نسیمی در ایام جوانی وارد حلقه مریدان فضل شده و یکی از دختران فضل را به همسری گرفته است. او یکی از شاعران ایران در عصر تیموری است که در اشعار خود تخلص «نسیمی» را برگزیده بود.^۲ عمادالدین نسیمی، شاعر آزادی خواه و یکی از رهبران اندیشمند حروفیه در شهر حلب به تبلیغ و ترویج عقاید حروفی پرداخت.

مبانی تنوریک و ایدئولوژیک حروفیه بیش از همه در آثار و اشعار نسیمی دیده می‌شود، زیرا نسیمی در آغاز فعالیت ادبی خود، دارای گرایش‌های عرفانی- الهی بود. نسیمی، انسان را آفریننده جهان، موجودی ازلی و ابدی می‌دانسته و معتقد بود که ماده هرگز محو نمی‌شود و حیات ابدی وجود دارد. نسیمی، منشاء دین و خرافه‌پرستی را نه در ذات و خرد انسان، بلکه در شرایط پریشان و نابسامان اقتصادی و اجتماعی افراد جستجو می‌کرده است. عمادالدین نسیمی ادیان و کتاب‌های آسمانی را ساخته و پرداخته ذهن بشر دانسته است.^۳

در کفر و شرک مانده و گویی که مؤمنم
اسلام و شرع و دین همه محصول انبیاست

۱- میر جعفری، همان، ص ۱۷۳.

۲- ورداسبی، همان، ص ۴۵.

۳- علی امین زاده، همان، صص ۲۵۱، ۲۵۲.

به هر حال، مبارزه آشکار نسیمی، علیه دشمنان باعث شد او را نیز به بی‌دینی و الحاد متهم کنند. قضات شهر حلب وی را به اغوای مردم متهم کرده و پس از یک محاکمه ساختگی پوست او را زنده زنده، برکنده، و هفت شبانه روز در شهر به تماشای عموم مردم گذاردند. مؤلف احسن التواریخ می‌نویسد: «در محل پوست کندن، خون بسیار از او رفته، رنگش زرد شد. گفتند که چون است که رنگ زرد کرده‌ای؟ گفت: من آفتاب سپهر عاشقی‌ام از مطلع عشق طالع شده. آفتاب در محل غروب زرد می‌شود».^۱ حروفیان پس از کشته شدن هواداران و نزدیکان فضل‌الله، به کشورهای مختلف مهاجرت کردند، اما دختر فضل‌الله و یوسف نامی در زمان جهان‌شاه تیموری دوباره علم حروفیان را در تبریز بلند کردند، اما جمعی نزدیک به پانصد تن سوخته و کشته شدند. پس از آن حروفیان دیگر نتوانستند اقدام جدی به عمل آورند.^۲

نتیجه

جنبش حروفیه همانند سایر جنبش‌های مردمی - مذهبی قرن هشتم، دارای ویژگی‌هایی بود که به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- استفاده رهبران سیاسی - مذهبی این جنبش از عقاید صوفیه و تشیع برای تشریح و ابراز عقاید خود، از طریق توجه به علم حروف.
- ۲- حروفی‌گری، جنبش نوینی بود بر نتایجی که جستجوگران حروف از دیرباز به آن رسیده بودند، زیرا قبل از آنها، جنبش‌هایی با عقاید همانند وجود داشته است. اما حروفیان، تکامل این جریان را تسریع کردند و از آن سود جستند.

۱ - حسن بیگ روملو، احسن التواریخ، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹، ص ۲۱۱.

۲ - هلموت ریتز، همان، ص ۵۰-۵۱.

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق) ۵۹

۳- این جنبش با تکیه بر عدالت اجتماعی و ضدیت با ظلم و ستم، ادعای رهایی انسان‌ها را داشت. و البته برای رسیدن به این مهم، اندیشه‌هایی از قبیل مهدویت و الوهیت را دستاویز خود قرار داده بود.

۴- جنبش حروفیه از جهت تاریخی، جزء سلسله جنبش‌های صوفیانه است که با هیأت حاکمه و مذهب مسلط وقت درافتاد و از آن جا که لبه تیز این جنبش علیه غاصبان مغولی است، رنگ میهن‌پرستانه آن نیز آشکار است.

۵- افزودنی است که این جنبش با بهره‌گیری از ادیان مختلف و گرفتن عقاید و اصول متفاوت، اندیشه غالبانه‌ای را تبلیغ می‌کرد، که شاید متناسب با اصول عدالت‌خواهی و دیگر اندیشه‌های تشیع نبود. مثلاً ادعای مهدی‌گری و ختم اولیائی از سوی فضل‌الله، باعث شد که بسیاری از مردم متشیع، آنچنان که باید از ایده‌ها و افکار او استقبال نکنند.

منابع و ماخذ

- ۱- آژند، یعقوب، «حروفیان و بیداد تیموری»، تهران: مجله کیهان فرهنگی، ۱۳۶۸، شماره ۱.
- ۲-..... حروفیه در تاریخ، تهران: نشر نی، ۱۳۶۹.
- ۳- افوشته‌ای نظنزی، محمود، نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار، به‌اهتمام احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۴- امین زاده، علی، جنبش‌های شیعی در تاریخ ایران با نگاهی ویژه به سریداران، سبزوار: انتشارات امید، ۱۳۸۴.
- ۵- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، ترکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز، ج ۱، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۲.

۶۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

- ۶- توکلی، احمد، نهضت حروفیه، تهران: انتشارات میثاق نور، ۱۳۳۷.
- ۷- تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه، الجزء الخامس، تهران: بی‌نا، ۱۳۲۳.
- ۸- ثبوت، اکبر، «حروفیه»، نشریه فلق، شماره ۲، تهران: ۱۳۵۸.
- ۹- خمارلو، تقی، عمادالدین نسیمی و نهضت حروفیه، تبریز: انتشارات تلاش، ۱۳۵۳.
- ۱۰- خوافی، فصیح بن احمد بن محمد، مجمل فصیحی، ج ۳، به تصحیح محمود فرخ. مشهد: باستان، ۱۳۴۲.
- ۱۱- دیوان فارسی فضل الله نعیمی و عماد الدین نسیمی، به کوشش رستم علی‌اف، تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۴.
- ۱۲- روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، به اهتمام عبدالحسین نوائی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- ۱۳- ریتر، هلموت، آغاز فرقه حروفیه، ترجمه حشمت مؤید، تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۱.
- ۱۴- زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۱۵- سخاوی، شمس‌الدین، الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، الجزء السادس، القاهره: مکتبه القدسی، ۱۳۵۴.
- ۱۶- الشیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- ۱۷- کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.

جایگاه مهدویت در جنبش حروفیه (۷۷۸-۸۳۰ق) ۶۱

۱۸- کیا، صادق، واژه‌نامه گرگانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.

۱۹- محرابی، معین‌الدین، کلمه‌الله‌هی‌العلیا، بانوئی انقلابی و گمنام از قرن نهم، آلمان: نشر رویش، ۱۳۷۰ق..

۲۰- معطوفی، اسدالله، تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد، گرگان: انتشارات پدیده، ۱۳۷۶.

۲۱- میر جعفری، حسین، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران: سمت، ۱۳۸۴.

۲۲- میر فطرس، علی، جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیان، تهران: انتشارات بامداد، ۱۳۶۶.

۲۳- ورداسبی، ابوذر، نمد پوشان، تهران: انتشارات امام، ۱۳۵۷.

۲۴- هوار، کلمان، مجموعه رسائل حروفیه شامل هدایت‌نامه، محرم‌نامه ابواسحق، نهایت‌نامه، رسائل مختلفه، اسکندرنامه، تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی